

Religious Studies

Vol. 11, No. 21, March 2023, 133-164

(DOI) 10.22034/JRR.2023.312050.1939

Fars White Background Carpet with Motifs of Zāmyād and Tištar Gods or Khidr and Elijah¹

Azadeh Pashutanizadeh²

(Received on: 2021-10-25; Accepted on: 2021-12-12)

Abstract

According to the background color, the "Arab-Jinni" Persian carpets are divided into two main categories; white and blue. This type of carpet contains various motifs of animals, plants, and creatures that are called "jinn". The main feature of these carpets is the lack of a predetermined /mind-weaving plan. The only common visual element in all the carpets of "Arab-Jinni" is the goddess Venus. The image of the "King of the Jinni" is specific to the blue (dark and light) background carpets. But the white background carpets have other features and patterns; because, in addition to the multiplicity of the role of the goddess Venus compared to her blue counterpart, a lady with a brown skirt with colorful beads and a blue top is standing around the goddess Venus, who is the goddess Aštād and the helper of the god Tištar. Identifying the man/men wearing green and blue as the companions of the goddess Aštād is one of the necessities of this research. According to Zoroastrian religious texts, the man/men are Zāmyād and Tištar gods, who were renamed Khidr and Elijah in the Islamic periods of Iran. Sometimes the absence of man/men wearing green and blue clothes has been replaced by the symbolic motifs of Tištar / Elijah and Zāmyād /Khidr in the form of a flowing river and plants in the center of the carpet. The white "Arab-Jinni" carpet is one of the astronomical carpets that remind the chronology and times of the creation of the earth and plants. Using library sources, the research was done with a comparative and descriptive-analytical approach.

Keywords: "Arab-Jinni" Fars Carpet, White Background, Goddess Aštād, Zāmyād and Tištar Gods, Khidr and Elijah.

1. I express my sincere gratitude to Dr. Arash Zeyni who gave me the idea of writing this article.

2. Research Assistant Professor, Department of Traditional Arts, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding Author), a.pashootanizadeh@richt.ir.

فرش زمینه سفید فارس با نقوش ایزد زامیاد و تیشتر یا خضر و الیاس نبی^۱

آزاده پشوتنی زاده^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱]

چکیده

فرش‌های «عرب جنی» فارس با توجه به رنگ زمینه، به دو دسته اصلی سفید و آبی تقسیم می‌شوند. این نمونه فرش حاوی نقوش متنوع و متعدد از جانداران، گیاهان و موجوداتی است که «اجنه» خوانده می‌شوند. خصلت اصلی فرش عرب جنی، فقدان نقشه از پیش تعیین شده/ذهنی بافی است. ایزدبانوی ناهید/آب تنها نقش مشترک در تمام نمونه‌ها است. نقش «پادشاه اجنه/ صخرجنی» نیز مختص به فرش‌های زمینه آبی (تیره و روشن) است. اما فرش‌های زمینه سفید خصلت‌ها و نقوش دیگری دارند؛ زیرا علاوه بر تکرر و تعدد نقش ایزدبانوی ناهید نسبت به همتای آبی‌اش، بانویی با دامن قهوه‌ای به همراه دانه‌های رنگین و بالاتنه آبی، حوالی ایزدبانوی ناهید ایستاده که ایزدبانوی اشتاد و یاریگر ایزد تیشتر است. شناسایی مرد/مردان سبز و آبی‌پوش به عنوان همراهان ایزدبانوی اشتاد از ضروریات پژوهش است. با توجه به متون دینی زرتشتیان، مرد/مردان ایزدان زامیاد و تیشترند که در ادوار اسلامی ایران به خضر و الیاس نبی تبدیل شده‌اند. گاه فقدان مرد/مردان سبز و آبی‌پوش، با نقوش نمادین تیشتر/الیاس و زامیاد/خضر به صورت رود روان و گیاهان در مرکز فرش جایگزین شده است. فرش «عرب جنی» سفید در زمره فرش‌های نجومی است که گاه شماری و زمان گاهنبارهای آفرینش زمین و گیاه را یادآوری می‌کند. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتاب‌خانه‌ای، با رویکرد مقایسه‌ای و توصیفی تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: فرش «عرب جنی» فارس، زمینه سفید، ایزدبانوی اشتاد، ایزد تیشتر، ایزد زامیاد، خضر(ع)، الیاس(ع).

۱. استادیار پژوهشی گروه هنرهای سنتی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه^۱

فرش «عرب جنی» فارس، دارای نقوش ویژه‌ای است که ندرتاً محققان بدان پرداخته‌اند. گرچه «جن» با آمدن اسلام به ایران و آشنایی ایرانیان با «سوره الجن» در قرآن، عجیب است، اما پیش از اسلام نیز اعتقاد به موجودات ماوراء الطبیعه وجود داشته است. این نمونه فرش، ترکیبی از نقوش آسمانی و زمینی است که به سبب وجود نقوش موسوم به «جنی» و واژه‌ها بافندگان به ارتباط این نقوش با اجنه و شیاطین، بازبافی نشده است. شناسایی نشدن این نقوش باعث به وجود آمدن ذهنیت منفی راجع به آن شده است. اندک تعداد باقی مانده از این فرش‌ها، با توجه به رنگ زمینه، به دو بخش آبی و سفید تقسیم می‌شوند. ایزدبانوی ناهید/ آب عنصر مشترک در همه نمونه‌ها است، اما در فرش‌های عرب جنی با زمینه سفید، خضر و الیاس نبی در قالب نمادین پیشااسلامی شان و به صورت ایزد زامیاد و تیشتر حضور دارند. معرفی بانوی موجود در هر سه فرش، که بدون تغییر در رنگ و نوع البسه دیده می‌شود، ایزدان/ خضر و الیاس را هویت‌یابی می‌کند. ایزدبانوی اشتاد پیشااسلامی، نماد مشترک و اصلی این سه فرش است. لباس این بانو با بالاتنه آبی به نماد آسمان و دامن قهوه‌ای به نماد زمین آذین شده با دانه‌های رنگین غلات هم‌راستا با معنای واژگانی «اشتاد» است.

فرش «عرب جنی» در رسته فرش‌های نجومی/ تقویمی ایران است که به سبب ناآشنایی محققان با نمادهای نجومی و گاه‌شماری دینی زرتشتیان مهجور مانده است.

پیشینه تحقیق

پرهام در توصیف فرش «عرب جنی»، آن را «باغ وحشی سحرآمیز و از معضلات فرش بافی فارس» دانسته است (پرهام، ۱۳۷۱: ۲۳۶). فقط پنج نمونه از این فرش شناسایی شده که در اختیار مجموعه داران خصوصی خارج از کشور یا سفارت‌خانه‌ها است. سیروس پرهام

در دو مقاله و بخشی از کتاب دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس به معرفی این فرش می‌پردازد. چند مقاله از پشتوتنی‌زاده، دادور و رسولی در نشریه گلجام به رمزپردازی نمادهای فرش عرب جنی اختصاص دارد و بخشی از کتاب فرش و هنر، که در ۲۰۱۷ به همت مؤسسه انتشاراتی هیل لندن منتشر شد به توصیف رنگ‌ها و معرفی زادگاه آن اشاره دارد. مقاله تحلیلی این بخش کتاب که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسید، از منابع نوشتاری دیگر است. کرسی علمی ترویجی پژوهشگاه میراث فرهنگی نیز به واکاوی نقش مایه «پیرمرد غیب‌گو» در یکی از نمونه‌های فرش عرب جنی پرداخته است.

شناسایی نمادهای پیشاسلامی متبلور در مضامین اعتقادی و فرهنگ فولکلور، از مهم‌ترین جنبه‌های اسطوره و نمادشناسی هنرهای ایران است که لازمه آن آشنایی با ادیان و اعتقادات ادوار و اقالیم مختلف ایران است. نمادهای فرش عرب جنی فارس که تاکنون شناسایی نشده‌اند، یکی از این نمونه‌ها است. از این رو، تمام نقوش موجود بر پهنه این فرش، «جن» خطاب می‌شوند. حال آنکه فقط «صخرجنی» در فرش‌های زمینه‌آبی، جن است و باقی شخصیت‌های آن مرتبط به عناصر مقدس و متافیزیکی پیشاسلامی‌اند که در کالبد پیامبران و مقدسان حلول یافته‌اند.

رمزیابی و بازخوانی نمادهای تصویری فرش زمینه‌سفید «عرب جنی» بر اساس اعتقادات دینی بافندگانش با بهره‌گیری از علم زبان‌شناسی و ادبیات فولکلور، انسان‌شناسی فرهنگی به همراه دانش گاه‌شماری ایران باستان، از نوآورانه‌ترین مباحث این پژوهش محسوب می‌شود. از دیگر وجوه نوآورانه این پژوهش، حضور ایزدبانوان اشتاد و آن‌ها در کنار ایزدان زامیاد و تشر است که یادآور حضور خضر نبی و الیاس (ع) است؛ پیامبرانی که جایگزین ایزدان پیشاسلامی در اندیشه بافندگان فرش «عرب جنی» شده و توصیف ایشان در فرهنگ عامه ایران مسبب ایجاد صور تصویری در فرش‌های زمینه‌سفید «عرب جنی» گردیده است.

۱. فرش عرب جنی

موطن فرش عرب جنی با نقوش خاص خود، استان فارس است. تعداد این نوع فرش بسیار نادر است و فقط تصویر پنج نمونه [سه تایی آن با زمینه سفید و دو تایی دیگر با زمینه آبی (تیره و روشن)] از آن در کتب و نشریات مختلف به چاپ رسیده است. از حیث یگانگی می توان گفت متأسفانه هیچ نمونه ای از این نوع فرش حتی در موزه ملی فرش ایران و دیگر موزه های ایران وجود ندارد. عناصر نمادینی که محققان این فرش شناسایی کرده اند، ایزدبانوی ناهید به عنوان عامل مشترک در تمام نمونه ها است. اما صَخْرَجَنی (پادشاه دریاها) یا پادشاه اجنه (پرهام، ۱۳۸۳: ۱۸) منحصرأً مربوط به دو فرش زمینه آبی است. خضر نبی هم در یک نمونه از فرش زمینه سفید عرب جنی شناسایی شده است (نک: پشوتنی زاده، ۱۳۹۸). اطلاعات دیگر این فرش مربوط به بافندگان آن است که از طوایف عرب فارس (دادور و رسولی، ۱۳۸۹: ۸۵) و عرب خمسه (Trybiarz, ۲۰۱۷: ۲۱۲) معرفی شده اند. ایشان با آیین صابئین آشنا یا از پیروان آن بوده اند (پشوتنی زاده، ۱۳۹۷: ۲۵). بنابراین، زمینه سفید فرش و خضر جزء نکات کلیدی این پژوهش است. به علاوه، تصویر زنی ایستاده که البسه ای یکسان در هر سه فرش زمینه سفید بر تن دارد، موضوع در خور توجهی است که هرگز بدان پرداخته نشده است.

۲. اشتراکات فرش و اعتقادات

در بسیاری از منابع تاریخ نگاری ادوار اسلامی، دین پیشازرتشتی ایرانیان، پرستش اجرام سماوی معرفی شده است. بیرونی به پادشاهان ایرانی پیش از زرتشت اشاره می کند که کواکب را می پرستیدند (بیرونی، ۱۳۸۶: ۲۲۵). مورخان دیگری چون طبری، گردیزی، ابن بلخی و ثعالبی دین پایتخت نشینان پیشازرتشتی را صابئی معرفی کردند (غضنفری، ۱۳۹۴: ۱۷). از صابئین در تاریخ نگاری اسلامی به عنوان ستاره پرستان^۲ یاد شده (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۲۷۱) و قرآن نیز ایشان را اهل کتاب برشمرده است (حج: ۱۷). از طرف دیگر، اهمیت

«آب» برای صابئین، مسبب شکل‌گیری عنوان ناروای «آب پرست» برایشان شد؛ لذا ارتباط میان «آب» و «ستارگان» بر اهمیت «ستارگان بارانی/آبی» چون تیشتر و زهره صابئین صحه می‌گذارد. اهمیت صور فلکی در یشت‌ها که یک سوم آن را در بر گرفته و اسامی ستارگانی چون تیشتر، سدویس، و نند و ... در متون دینی زرتشتیان نیز حاکی از همین موضوع است (یشت‌ها). «صور فلکی» و «آب» وجه مشترک صابئین، زرتشتیان و اعتقادات بافندگان فرش عرب جنی است، زیرا آیین صابئی ممزوج باکیش زرتشت است (الهامی، ۱۳۷۷: ۷۰) و بافندگان متأثر از صابئین. بیرونی هم صابئان حقیقی را اسیران بابلی معرفی می‌کند که اعتقادات مجوسان را پذیرفتند (بیرونی، ۱۳۷۷: ۲۶۳ و ۲۶۷). از طرف دیگر، فارس به عنوان موطن مشترک بافندگان فرش، صابئان و زرتشتیان مسئله جالبی است. مسعودی، پیامبر صابئین را ساکن فارس می‌داند (مسعودی، ۱۳۵۶: ۲۳۷/۲، ۲۲۲/۱). به علاوه، در ادوار اسلامی (حداقل تا دوره آل بویه) زرتشتیان بسیاری در اقلیم فارس می‌زیسته‌اند (پطروشفسکی، ۱۳۷۰: ۴۸؛ صدیقی، ۱۳۷۲: ۸۶) که وجود آتشکده‌های پُرونق^۳ و اجرای آداب و رسوم زرتشتیان فارس^۴ یا گماردن زرتشتیانی در مناصب دولتی فارس، مثل کازرون،^۵ شاهی بر مدعا است (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۱۰۶). شاهرخ نیز از حضور زرتشتیان در استان فارس تا سده هفتم گزارش می‌دهد (شاهرخ و رایتر، ۱۳۸۱: ۱۳) و بلاذری و طبری به مقاومت زرتشتیان فارس تا قرن‌ها در مقابل اعراب پس از سقوط ساسانیان اشاره می‌کنند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۴۶/۲-۵۳۹؛ طبری، ۱۳۷۵: ۲۶۵۷/۶).

۳. خضر

نام خضر به صورت واضح در قرآن نیامده است، اما برخی از مفسران آیات ۶۵ تا ۸۲ سوره کهف را مرتبط با خضر می‌دانند (سورآبادی، ۱۳۴۷: ۲۱۱-۲۲۰). طبری و ابن اثیر در کتاب الکامل فی التاریخ، در دو روایت خویش خضر را معرفی می‌کنند و او را با پادشاه اسطوره‌ای

ایران، فریدون^۶ هم عصر و با ذوالقرنین همراه دانسته اند (طبری، ۱۳۵۲: ۲۵۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۶۰-۱۶۳). خضر با رنگ سبز و سفید عجین است. او پیرمردی سبزیپوش، نشسته بر پوستین سفید^۷ توصیف شده است. خضر، هر کجا قدم می‌نهد و می‌نشست، آنجا سبز می‌شد و گیاه می‌روید (مصاحب، ۱۳۸۱: ۸۹۹) و اصطلاح «آب زنده» در عقاید صابئین (شیرالی، ۱۳۸۶: ۴۴) مشابه «خضر زنده»، و با عنصر «آب»، نماد «حیات بخشی» مرتبط است (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۱۵)؛ چراکه خضر پس از شست و شو در چشمهٔ آب حیوان، همان دم، گوشت و پوست و اندامش سبزگون شد و از این رو، وی را «خضر زنده» می‌نامند (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۷۸). اهمیت نمادین رنگ سفید نیز مسبب شکل‌گیری اعتقاد به حضور خضر در رنگ سفید لبنیات یا نمک در بسیاری از نقاط ایران و مخصوصاً فارس شده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۵۲۶). لذا رنگ سفید به عنوان رنگ آیینی صابئین در غسل‌هایشان، از دیگر اشتراکات ایشان با خضر است. رنگ سفید و سبز در فرهنگ زرتشتیان، نمادی از ایزدبانوی آب و زمین است (نک: پشوتنی‌زاده و نرسیسانس، ۱۳۹۹). سبز، نماد برکت بخشی سپندارمذامشاسپند^۸ به زمین است و با نام خضر/سبز نیز هم‌معنا است. اهمیت خضر در میان زرتشتیان بدان درجه است که فقط نام وی و الیاس وارد فرهنگ واژگانی ایشان شده است (نک: هیربد، ۱۳۹۳: ۱۹۰-۱۹۲). در ادبیات شفاهی زرتشتیان، داستانی به نام «خواجه خضر/خضر زنده» وجود دارد که یگانه داستان با ابرقهرمان مرد/خضر است (پشوتنی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۰). از لحاظ زبان‌شناسی دری بهدینی^۹ هم، ابدال واژه «ض» به d در واژه «خضر» دیده می‌شود: xāji-xedri و «خواجه خضر»، صفتی برای دانه و میوه‌های دوقلو یا نشانه‌ای از برکت و «نظرکردگی» در فرهنگ شفاهی زرتشتیان است (مزداپور، ۱۳۷۴: ۳۱). بنابراین، خضر در واژگان دری بهدینی به دلیل همین قصه ورود یافته و مضامینی چون «برکت بخشی» را تداعی می‌کند. خضر صرفاً در فرهنگ زرتشتیان تداعی‌گر برکت بخشی نیست؛ بلکه ایل‌نشینان غربی فارس هم به گاو خضر «گابُر/گابُره/گابوره» (میرشکرایبی،

۱۳۸۲: ۳۴) و گذرش در مزارع به نیت برکت بخشی معتقدند (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۵۲۶)، حال آنکه زرتشتیان، زبان دری بهدینی را «گوری» (gavri) و «گورونی» (gavruni) می‌نامند (پشوتنی‌زاده و شریفیان، ۱۳۹۹: ۲۳۸) و این واژه در فقه اللغه از ریشه «گبران» و هم‌معنا با «مرد بزرگ» است؛ همان‌طور که واژه «گور» (gavt) و «گور» (gowt) به معنای «مرد زرتشتی» (مزداپور، ۱۳۹۶: ۱۴) و «گبر» (gabra) به معنای «مرد» است (سروشیان، ۱۳۳۵: ۱۵). در مقام قیاس می‌توان به شباهت واژه‌های «گور» و «گبر» با «گائر» پی برد. از این بابت «گاو» خضر با واژه‌های مرتبط زرتشتیان می‌تواند اتصالات اسطوره‌ای و معنایی خاصی را نشان دهد. به هر روی، در منابع موثق تاریخی از ارتباط خضر با اقلیم فارس به صورت مشخص سخن رفته است؛ مثلاً طبری، خضر را از اولاد فارس و الیاس را از قوم بنی اسرائیل می‌داند (بابایی فلاح و سامانیان، ۱۳۹۲: ۲۶). بنابراین، اشتراکات نمادین خضر با صابئین و زرتشتیان و نقطه تلاقی هر سه با بافندگان فرش عرب جنی در اقلیم فارس، نکته اصلی نمادشناسی این فرش است.

گاو	فارس	آب	رنگ سفید و سبز	
*	*	*	*	خضر
*	*	*	*	زرتشتیان
*	*	*	*	صابئین
*	*	*۱۱	*	فرش عرب جنی

جدول شماره یک: مقایسه عناصر مشترک

۴. خضر و الیاس

خضر و الیاس همواره یکدیگر را همراهی می‌کنند و هر دو از انظار پنهان‌اند. وظیفهٔ راهنمایی گم‌شدگان دریا و خشکی بر عهدهٔ ایشان است^{۱۲} (یا حقی، ۱۳۸۶: ۱۵۷ و ۱۵۸؛

ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۵۲۵). قرارگرفتن زیارتگاه‌های خضر و الیاس در حوالی یکدیگر و حضورشان در قصه‌های عامیانه، ادبیات و تاریخ شفاهی ایران (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۱۸) سبب شده است در برخی منابع خضر و الیاس را یکی بدانند (بهداروند، ۱۳۸۰: ۹۳) و همان‌طور که طبری خضر را ایرانی تبار معرفی کرده است (بابایی فلاح و سامانیان، ۱۳۹۲: ۲۶) دهخدا نیز به نقل از برهان قاطع، الیاس را لفظی «اعجمی» می‌داند (دهخدا، ۱۳۴۲: ۱۴۷). برخی مفسران الیاس را در آیه‌های ۸۵ سوره انعام و ۱۳۰ سوره صافات، همان ادریس دانسته‌اند؛ چنان‌که طبرسی به نقل از ابن مسعود الیاس را با ادریس همسان و جد حضرت نوح^{۱۳} می‌داند (طبرسی، ۱۳۵۲: ۴۰). ادریس مترادف با تیر/تیشتر/عطار^{۱۴} است (یا حقی، ۱۳۸۶: ۸۶). تعبیر دیگر نام الیاس، «ال‌آس» بوده و به معنای گیاه «مورد/آس» است که به سبب سبزی همیشگی اش نماد «جاویدانی ابدی» است (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۱۸)؛ به علاوه، این گیاه رمزی از آفرینش آب^{۱۵} است که سرسبزی نباتات را فراهم می‌آورد (یا حقی، ۱۳۸۶: ۷۷۶). سرسبزی مورد در ارتباط با رنگ سبز خضر از یک سو و از جانب دیگر، شکل نمادین این گیاه در قالب «آب» پیونددهنده مفهوم خضر و الیاس است. خضر در برخی متون به صورت «ایلیا» نوشته شده که شاید شباهت واژگانی «ایلیا» به «الیا» و «الیاس» مسبب یکسانی یا همسانی خضر و الیاس باشد (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

الیاس، ال‌آس یا ال‌اُس فارس

در فارسی میانه Arus به معنای «سفید» و در اوستایی نیز واژه Auruša به معنای سفید است (Bartholme, ۱۹۷۱: ۱۹۰). واژه «تیشتر» در اقلیم فارس به معنای بز^{۱۶} زایمان نکرده بوده و با صفت «الوس» یا «ال‌اُس» (Al-Uš) همراه است (جباره ناصرو، ۱۳۹۵: ب: ۲۶۵). تیشتر در منطقه کوهمره فارس^{۱۷} دارای هر سه صفت زیبایی، سفیدی و جوانی است (جباره ناصرو، ۱۳۹۵: الف: ۶۱) که با سه دوره ده‌روزه بارش تیشتر همسانی دارد، چراکه بر اساس اساطیر

ایرانی، «تشت» در سه دوره و سه حالت نمایان می‌شود. «تیشتر، به مدت سی شبانه‌روز، سه دهه باران شدید ببارانید. هر قطره‌ای از این باران به درستی پیاله‌ای بود» (پورد اوود، ۱۳۷۷: ۳۲۹) و در سه حالت، ظهور یافت: اول، «مرد پانزده ساله»،^{۱۸} دوم «گاو نر زین شاخ»^{۱۹} و سوم «اسب» (تیریش، ۲ تا ۶) که بنا بر بندهش، تیشتر به این پیکره‌ها درآمد و باران ایجاد کرد (بهار، ۱۳۶۹: ۹۵). در فارس، تیشترِ الوس، دارای ارجمندی است؛ چراکه تیشتر را موجود الوهی در کالبد زمینی می‌دانند. در باور مردم فارس، افساری که تیشتر را بدان می‌بندند «تیری» نامیده می‌شود و نماینده ارتباط تیر و تیشتر است. ایشان، تیشتر را در سرچشمه قربانی، و تقدیم ایزدبانوی ناهید می‌کنند تا آب فزونی یابد. ایزدبانوی آب/ ناهید و تیشتر (ایزد بارندگی) با هم مرتبط‌اند (جبار ناصر، ۱۳۹۵ الف: ۶۱). در فرهنگ زرتشتیان نیز رنگ سفید که یکی از صفات تیشتر است، نمادی از ایزدبانوی ناهید است (پشوتنی‌زاده، ۱۳۹۹: ۸۵). در این راستا، توصیف تشت در «تشت‌ریشت»/ یشت هشتم اوستایی، با سه صفت سپید، درخشان و دورپیدا که دارای سرشت آب است (بهار، ۱۳۷۵: ۶۱) به سبب صفاتی چون «درخشندگی» و «دورپیدایی» به ستارگان اشاره دارد، چراکه ستارگان آسمان درخشان‌اند و دورپیدا. از این رو، توصیف ستاره «هشت پر زهره/ ناهید» در «آبان‌یشت»، امکان قرارگیری دو ستاره درخشان آسمان شب را در کنار یکدیگر مهیا می‌کند. تکرار عدد هشت در فرم تصویری ستاره زهره/ ناهید، هشتمین یشت اوستا با نام «تشت‌ریشت»، بند هشتم «خورشید نیایش» که توصیفگر خصلت بارانی تیشتر است و نیز تشابه واژگانی هشت با «آشت/ آشتاد» از وجوه مشترک ایزدبانوی آشتاد و اناهیتا با ستاره تشت است.

۵. تیشتر

«تشت‌ریشت» اوستایی^{۲۰} در ستایش این ایزد سروده شده و در بندهش، گزیده‌های زادسپرم و بیشتر متون فارسی میانه هم شرحی از اسطوره تیشتر آمده است. دو متن دینی زرتشتیان به

زبان پهلوی، «دینکرد سوم» و «دادستان دینی» نیز به باران و باران سازی اشاره دارد (منتظری، ۱۳۹۵: ۹۴). تیشتر یاریگر خرداد امشاسپند، موکل آب است (یا حقی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). بند هشتم خورشید نیایش، تیشتر/ستاره بارانی را می ستاید (شکیبا، ۱۳۹۶: ۶۳) که همان «شعراپی مانی»^{۲۱} است (آموزگار، ۱۳۸۰: ۲۴) و در پایان تابستان، نمایان می شود (یا حقی، ۱۳۸۶: ۵۲). فرم اوستایی این ستاره، «تیشتریئنی» (tištariaēni) است که بر گروهی از ستارگان یاریگر/خوشه پروین در اطراف تیشتر دلالت دارد (بهار، ۱۳۷۵: ۶۲). خوشه پروین، در صورت فلکی گاو است و هفت ستاره آن در میان بیش از دویست^{۲۲} ستاره قابل مشاهده است. خوشه پروین شانتهای گاو را تشکیل می دهد و تنها ستاره درخشان آن، متعلق به دبران یا ستاره سرخ رنگ سدویس است که «چشم گاو» را نشان می دهد. در دینکرد سوم، بخش ۱۱۲ نیز همراهی ستاره سدویس با تیشتر در باران زایی تأیید شده است (منتظری، ۱۳۹۵: ۹۶). واژه «تیشتریم» در اوستا به حالت مفعولی به صورت «تیشتر نیک چشم را می ستاییم» (tīštrīm drvō čašmanem yazamaide آمده است؛ بنابراین «چشم گاو» یا «سدویس» به همراه صفت «نیک چشم» برای تیشتر و البته ارتباط با گاو، می تواند از دیگر وجوه اشتراک باشد. همراهی ستاره «سدویس» با «ادریس/تیر/تیشتر» در آسمان، با توجه به مطابقت «ادریس» و «الیاس» در برخی منابع، شاید مشابه با همراهی الیاس و خضر نبی در زمین باشد.

۶. گاهنبار^{۲۳} و گاه شماری ایران

بند چهارم فصل اول وندیداد و فصل ۲۵ از فقره هفتم بندهش به مدت پنج ماهه زمستان و هفت ماهه تابستان اشاره دارد. «از هرمزدروز در فروردین ماه تا انیران روز^{۲۴} در ماه مهر، هفت ماه تابستان است و از هرمزدروز در آبان ماه تا انیران روز در اسفندماه به همراه پنجه وه، پنج ماه زمستان است» (پشوتنی زاده، ۱۳۹۴: ۶۲). در وندیداد و بندهش، شاهد گاه شماری دینی هستیم که آخر مهرماه (دویست و دهمین روز سال) را به عنوان پایان تابستان بزرگ برشمرده

و مصادف با گاهنبار ایاسرم‌گاه (بازگشت به خانه) / آفرینش گیاهان است. اما پایان تابستان در گاه‌شماری کشاورزی برابر با انتهای شهریور (صد و هشتادمین روز سال) و گاهنبار پیت‌شهم‌گاه (گردآوری غله) / آفرینش زمین است. بنابراین، گاهنبار شهریورماه، پایان تابستان فصلی و گاهنبار مهرماه، پایان تابستان بزرگ دینی را اعلام می‌کند. از میان شش گاهنبار فقط آفرینش زمین و گیاه است که از روز اشتاد آغاز و به روز انارام ختم می‌شود. اسامی روزهای هر دو گاهنبار، اشتاد، آسمان، زامیاد (زمین)، مانتره‌سپند، انارام است (تقویم زرتشتیان، ۱۴۰۰). روز اول به ایزدبانوی اشتاد و روز میانه به ایزد زامیاد/ زمین تعلق دارد. اشتاد و زامیاد یاریگر امرداد امشاسپند (موکل گیاهان) هستند (یا حقی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). از جهت دیگر، حد فاصل اشتاد/ نخستین روز گاهنبار پیت‌شهم‌گاه تا آخرین روز گاهنبار ایاسرم‌گاه که انارام/ انیران نام دارد، ۳۵ روز است و میانه آن روز هفدهم با نام روز «تیر/ تیشتر» قرار می‌گیرد. لذا ارتباط و اهمیت باران بانماد ستاره تیشتر در هنگامه تغییر فصل، در هر دو گاه‌شماری دینی و کشاورزی مشخص می‌شود. حد فاصل صد و هشتادمین تا دویست و دهمین روز سال نیز برابر با سی روز است که مطابق با دوره‌های سه‌گانه باران و قوالب نمادین تیشتر (مرد، گاو و اسب)، دهه اول به روز سپندارمذ/ ایزدبانوی زمین، دهه دوم، به جشن مهرگان/ فریدون و ارتباطش با گاو اشاره دارد و دهه سوم نیز همسان با آغاز گاهنبار آفرینش گیاه است. بنابراین، روز پانزدهم (میانه سی روز) متعلق به روز آبان/ آب و یار دیرینه سپندارمذ/ زمین (نماد رنگ سبز در فرهنگ زرتشتیان) است.

روزهای میانه	
زامیاد/ ایزد زمین	پنج روز گاهنبارها (گیاه و زمین)
آبان (روز پانزدهم)، ایزد آبان یاریگر ایزدبانوی زمین/ سپندارمذ امشاسپند است.	حد فاصل سی روزه دو گاهنبار از روز نخستین/ اشتاد دو گاهنبار
تیر/ تیشتر (روز هفدهم)	حد فاصل سی و پنج روزه دو گاهنبار از روز نخست گاهنبار زمین تا آخرین روزاز گاهنبار گیاه

جدول شماره دو: روزهای میانه مرتبط به گاهنبار گیاه و زمین

حد فاصل میان دو گاهنبار (سی روز و سه دهه)	
روز نخست (آغاز گاهنبار آفرینش زمین)	روز اشتاد
دهه اول	روز سپندارمذ/ ایزدبانوی زمین
دهه دوم	جشن مهرگان
روز آخر (آغاز گاهنبار آفرینش گیاه)	روز انارام

جدول شماره سه: حد فاصل میان دو گاهنبار (سی روز و سه دهه)

۷. اشتاد، روز نخستین دو گاهنبار

اشتاد یا ارشتات (Arašāt) ایزدبانوی دادگری و عدالت است که در پشت‌ها با صفات فزاینده جهان و سودرساننده توصیف شده است (کاظم زاده، ۱۳۹۲: ۶۵). نام نخستین روز از ابتدای هر دو گاهنبار آفرینش زمین و گیاه با اشتاد آغاز می‌شود؛ بنابراین، ایزدبانوی اشتاد جایگاه مهمی دارد. در تصاویر تمام فرش‌های «عرب جنی» با زمینه سفید، حضور ایزدبانوی اشتاد با کالبدی یکسان و البسه مشابه دیده می‌شود. این ایزدبانو، لباسی با بالاتنه آبی، هم‌رنگ آسمان جهان دنیوی (روز دوم هر دو گاهنبار) بر تن دارد و دامنش به رنگ قهوه‌ای تیره، هم‌رنگ زمین (روز سوم هر دو گاهنبار) با دانه‌هایی رنگین است که شاید نماد بذر گیاهان خفته در خاک باشد، چراکه، واژه «اشتاد» در یسناهای یک بند ۷، دو بند ۷ و سه بند ۹ با صفاتی چون «غله افزا» یا «بالاننده غله» (frādat.gaēθa یا varədat.gaēa) یاد شده است (پورداوود، ۱۳۷۷: ۲۰۷۲ و ۲۰۲) که با فرم تصویری دانه‌های رنگین بر دامن بانوی اشتاد فرش «عرب جنی» مطابقت تام دارد. خطی عمودی نیز از دامن به سمت یقه کشیده شده که گویا زمین را به آسمان متصل کرده است. این اتصال زمین و آسمان فقط از طریق گیاه امکان‌پذیر است. علاوه بر آن، در روستای زرتشتی نشین شریف‌آباد یزد، اوایل آبان ماه جشنی به نام «تیشتریم» برگزار می‌شود که بزرگ‌داشت ایزد تیشتر است. نیایشگاه ایزدان «تیشتر و اشتاد» نیز در این

روستا است که هم‌زمان با تأسیس این روستا (قرن هشتم هجری) ساخته شده است. نیایشگاه تشتر به واسطهٔ باورمندی به کارکرد این ایزد در باران‌زایی تا پنجاه سال پیش میان کشتزارهای این روستا ساخته شده است. این نیایشگاه دوگانه، در گویش بهدینی شریف‌آباد به «گودز» شهرت دارد (قدردان و دیگران، ۱۴۰۰: ۶۷). دو نکته دربارهٔ این نیایشگاه حائز اهمیت است: اول، بنانهادن آن در میان کشتزار که بیانگر کارکرد ایزد تشتر است و دیگری، همجواری نیایشگاه ایزدان تشتر و اشتاد با یکدیگر؛ به علاوه بندهای ۵ تا ۷ «اشتاد یشت» نیز به توصیف تشتر و کارکردش می‌پردازد (همان: ۷۴).

ایزدبانوی اشتاد در هر سه نمونه با فاصلهٔ کمی از ایزدبانوی ناهید/آب قرار دارد؛ چراکه بدون حضور آب، زمین خشک است و گیاه نمی‌روید. در فرش‌های زمینه سفید عرب جنی، حضور ایزدبانوی ناهید بسیار پُررنگ بوده (تصاویر یک تا سه)، در حالی که ایزدبانوی ناهید در دو فرش زمینه آبی (تیره و روشن) حضوری کم‌رنگ و بی‌مایه دارد (تصویر چهار/الف و ب).

رنگ سفید زمینهٔ فرش یادآور دو مفهوم است؛ اول، توصیف بندهش از رنگ سفید آسمان مینوی و روز دوم گاهنبارها (بهار، ۱۳۶۹: ۴۰)؛ دوم، رنگ سفید به نماد ایزدبانوی ناهید در میان زرتشتیان و زیرانداز سفید خضر. البته خضر^{۲۵} به دلیل تسلط بر آب و گیاه و پیوندش با زمین به عنوان یکی از فرشتگان گاه‌شماری ایرانی^{۲۶} هم برشمرده شده است (پیشانی و شیربچه، ۱۳۸۸: ۶۹). در هر سه نمونهٔ فرش، به جز ایزدبانوی اشتاد، حضور نقش مایهٔ خضر و الیاس نبی یا ایزدان زامیاد و تیشتر/تیرامی توان مشاهده کرد.

فرش شماره یک: ایزدبانوی ناهید بر گاو خضر (گَبَر) ایستاده است. گیاهان بسیار در مرکزیت فرش به نماد ایزد زامیاد یا خضر نبی به همراه رودی روان، قرینهٔ ایزد تیشتر یا الیاس نبی است.

فرش شماره دو: تیشتر یا بُز الوس^{۲۷} بر زیر پای خضر نبی که در طرفینش ایزدبانوان جفتی ناهید قرار دارند. زیر پاهای ایزدبانوان ناهید در قسمت بالای فرش، دو مرد آبی‌پوش چتر

در دست به نماد باران قرار دارند که قرینه انسانی ایزد باران ساز تیشترند. در این تصویر نیز خضر و الیاس با هم تصویر شده‌اند. خضر به صورت سیدی ریش سفید در لباس سبز نمایان شده است (پشوتنی زاده، ۱۳۹۸).

فرش شماره سه: سمت راست تصویر بُز الوُس به نماد تیشتر حضور دارد که حد فاصل ایزدان سبز و آبی پوش قرار گرفته است. اطراف ایزد آبی پوش، ستارگان هشت پر به نماد زهره/ ناهید (همو، ۱۳۹۹: ۱۰) قرار دارد و یکی رانیز در دست گرفته است. حمایت ایزدبانوی ناهید از ایزدان آبی پوش، مُهر تأییدی بر شناسایی ایزد تیشتر است. علاوه بر آن، دو ایزد سبزپوش زامیاد به قرینه خضر نبی قرار دارند. مابایزای هر ایزد آبی پوش تیشتر یا الیاس، یک ایزد سبزپوش زامیاد یا خضر وجود دارد که تلویحاً بیانگر حضور دائم خضر و الیاس با یکدیگر است. بنابراین، می‌توان اجنه شناسایی شده در فرش «عرب جنی» را ایزدان ایران باستان دانست که پس از ورود اسلام به ایران در قالب خضر و الیاس بر پهنه فرش «عرب جنی» و ذهن بافندگان ظهور و بروز یافتند.

نتیجه

فرش‌های عرب جنی فارس، گونه خاصی از فرش‌های ایرانی‌اند که به جهت حضور اجنه و شیاطین موجود در نقوش آن، با اکراه و واهمه عمیق برای بازبافی یا واکاوی نقوش نمادینش همراه‌اند. علی‌رغم نقوش تکرارپذیر فرش اعم از حیوانات، پرندگان، گیاهان و موجوداتی شبه‌انسان که به عنوان «جن» شناسایی می‌شوند، الگو و نقشه یکسانی در آنها نمی‌توان یافت، چراکه ذهنی باف بوده و بافندگان بداهه بافی کرده‌اند. علاوه بر آن، رنگ زمینه فرش (سفید یا آبی تیره و روشن) عامل ویژه و تعیین‌کننده‌ای است. حضور ایزدبانوی ناهید/آب تنها عنصر شناسایی شده در فرش‌های «عرب جنی» است؛ با این تفاوت که در فرش زمینه سفید، ایزدبانوی ناهید دارای تکثر است اما در نمونه آبی، یا

ایزدبانوی ناهید حضور ندارد، یا به صورت تک در اطراف «پادشاه دریاها/ صخرجنی» ایستاده است. لذا اهمیت ایزدبانوی ناهید در فرش زمینه سفید چشمگیر است؛ چراکه ترسیم‌گر فضای الوهی آسمان به همراه صور فلکی اش است. توصیف فضای آسمان و ستارگان در متون دینی زرتشتیان، مشابه با مفهوم جاودانگی خضر و الیاس است که همچون ستارگان جاویدند. حضور ایزد تیشتر، ستاره باران در نمونه فرش دارای مردان آبی پوش حاملِ چتر، به وضوح هویدا است. خضر نبی هم که بر اساس فرهنگ فولکلور ایران سید سبزپوش نشسته بر پوستین سفید است، بر زمینه سفید فرش نشسته و چون زمین/ ایزد زامیاد البسه سبز بر تن دارد. در نمونه دیگر، مایزای هر ایزد تیشتر/ تیر که در واقع ادریس یا به قولی الیاس است، ایزد سبزپوش زامیاد قرار دارد که جلوه دیگر خضر نبی است. حتی در نمونه‌ای بدون تصویر ایزدان سبز و آبی پوش، ایزدبانوی ناهید بر پشت گاو خضر/ گابَر ایستاده و قسمت مرکزی تصویر با رود روانِ گردنده‌ای به نماد تیشتر، دیگر نقوش حیوانی و گیاهی را قطع کرده که مسبب ناتمامی نقوش حیوانی و گیاهی شده است. رویش گیاهان خرم و شکفته در فضای گردان رود، تداعی‌گر نماد ایزد زامیاد است که به کمک آب، نباتات را یاری می‌رساند، چنان‌که زامیاد و اشتاد یاریگر امرداد امشاسپند (موکل گیاهان) و تیشتر، یاریگر خرداد امشاسپند (موکل آب) است. حضور اشتاد، آسمان و زامیاد به عنوان سه روز اول از دو گاهنبار مربوط به آفرینش زمین (شهریورماه) و گیاه (مهرماه) نیز نشانی از ترسیم گاه‌شماری ایران در فرش عرب‌جنی فارس است. به هر روی، ایزدان زامیاد و تیشتر به فرم خضر (ع) و الیاس (ع) درآمده‌اند تا در نقوش این نمونه از فرش فارس ظهور یابند. تصویر ایزدبانوی اشتاد نیز با بالاتنه آبی آسمان و قهوه‌ای زمین به همراه بذر گیاهان، در هر سه فرش زمینه سفید (نماد آسمان مینوی) به صورت واضح و یکسان وجود دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. سپاس بی‌شائبه‌ام نثار آقای دکتر آرش زینی که ایده نگارش این مقاله را در اختیارم نهادند.
۲. در خط میخی ستاره *lul-la* و به سومری *Al-lul* است. دو صورت نگارشی دیگر آن نیز، یکی *A-meš* «آب‌ها» و دیگری *A-lu* «آب‌های فراوان» بوده که نقطه مشترکشان «آب» و *A-lul* به معنای «آب‌های مخفی» است (مختاریان، «جشن تیرگان»). بخشی از تقویم صابئیان نیز «هلال ایلول/الول» *A-lul* نام دارد که بنا به ادعای ابن ندیم: «صابئین در سه روز اول از هلال ماه ایلول، برای پادشاه دریاها، آب گرم می‌کنند» (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۴۶۳).
۳. آتشکده‌ها: کاریان، سیوخشین شاپور، بارین جور، جنید کاوسن در مقابل ساسان، جفته و کوزان کازرون، کاریان و هرمزد (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۴۳) و آتشکده منسریان در روستای موکان که از شیراز قابل دیدن بود (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۰۶). یاقوت حموی در قرن هفتم، از آتشکده گور فیروزآباد یاد می‌کند (یاقوت حموی، ۱۳۸۳: ۹۹/۲).
۴. ایرانیان پس از اسلام جشن‌های نوروز، مهرگان و سده را که مطابق با تقویم زرتشتیان است، برگزار می‌کردند (اشپولر، ۱۳۸۴: ۵۸).
۵. اکثر کازرونی‌ها تا عصر آل بویه زرتشتی بودند (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۱۰۷).
۶. مادر فریدون، کودک را به نگاهبان گاو می‌سپارد. بیرونی در آثار الباقیه به این موضوع اشاره می‌کند که اسامی تمامی اجداد فریدون دارای ترکیب واژگانی «گاو» است. بندهش، نام پدر فریدون (آتیین) را «دارنده گاو بسیار» معنا کرده است. فریدون با کمک گاو، پس از پیروزی بر ضحاک گاوهای اثفیان را می‌رهاند و زمانی هم که ضحاک از فریدون امان می‌خواهد تا او را نکشد، فریدون به خون گاو نری که در خانه جدش بوده سوگند می‌خورد که او را بکشد (بیرونی، ۱۳۷۷: ۲۹۶). این مسئله ارتباط فریدون با «گاو» را محکم‌تر می‌کند. واژه *Cow* نیز با اندک تغییر از واژه «گاو» مشتق شده است (پشوتنی‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۹۶). به علاوه، در جشن مهرگان، فریدون بر گاو سوار شد و در آسمان گاوی از نور پدید آمد که شاخ‌هایش از طلا و پاهایش از نقره بود (یاحقی، ۱۳۸۶: ۷۹۳). ارتباط ستارگان با فریدون تا آنجا است که وی را نخستین ستاره‌شناس می‌دانند (همان: ۶۳۴).

۷. زیرانداز پوستین سفید خضر (کیا، ۱۳۷۵: ۱۱۱) با رنگ زمینه سفید فرش عرب جنی با تصویر خضر به عنوان سید سبزپوش ریش دار مطابقت تام دارد (نک: پشوتنی‌زاده، ۱۳۹۸).
۸. زرتشتیان به وجود شش امشاسپند (جاودانان مقدس) معتقدند. بهمن (وهومن): موکل چهارپایان سودمند؛ اردیبهشت: نگهبان تمام آتش‌های زمین؛ شهریور: پاسبان فلزات؛ سپندارمذ: موکل زمین؛ خرداد: پرستار آب و امرداد به همراه یاورش خرداد، آب را به گیاه می‌رساند و حامی گیاه است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۶۳).
۹. زرتشتیان به زبان دری بهدینی سخن می‌گویند که به دری یزدی و دری کرمانی تقسیم می‌شود (فرهمند، ۱۳۹۶: ۱۴۱).
۱۰. منظور از «گاو» در تمام فرم‌های خود است؛ چه از دیدگاه زبان‌شناسی و واژگان (گابَر و مشابهت با گبر)، چه نمادین و در قالب صور فلکی.
۱۱. در غرب فارس، نیایشگاه ایزدبانوی ناهید/ آب وجود دارد که مجسمه‌های گاو سنگی آن نمادی از آن‌هاست (جعفری دهقی، ۱۳۹۵: ۳۶). تیشتر و ناهید/ زهره، هر دو ستارگان «آب» در صور فلکی اند که با توجه به دو لقب «ستاره پرستان» و «آب پرستان» به صابئین، می‌توان به طریقی اهمیت گاو را در فرم نمادینش برای صابئین پذیرفت.
۱۲. در اینکه کدام یک راهنمای دریا و خشکی اند اختلاف نظر بسیار وجود دارد. گویا اقلیم کویری و خشک یا نزدیک به دریا تعیین‌کننده است؛ مقایسه شود یاحقی، ۱۳۸۶ با ذوالفقاری، ۱۳۹۵.
۱۳. برخی معتقدند ایزدبانوی آن‌هاست/ زهره به همراه دو امشاسپند هئوروتات/ خرداد و امرتات/ امرداد (برکت با تندرستی، جاودانگی) یا هاروت و ماروت اسلامی (بقره: ۱۰۲) در داستانی ایرانی الاصل ایفای نقش می‌کنند. زنی از فرزندان «نوح»، به نام «زهره» نزد هاروت و ماروت می‌رود و در نهایت، زهره نام اعظم پروردگار را از ایشان می‌آموزد و خداوند او را به صورت ستاره‌ای در آسمان تبدیل می‌کند (پشوتنی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۱۰). قطعاً این داستان به رودخانه‌های «هرت» و «مرت» که باران را فراهم می‌کنند و بر کوه نوح/ آرات باران، اشاره دارد (یاحقی، ۱۳۸۶: ۸۶۴). با توجه به توضیحات فوق، اشتراک زهره/ ایزدبانوی آب و ادريس مرتبط با «نوح» کاملاً مشخص است.

۱۴. «عطارد» از ریشه فارسی «بهترین داور برانگیخته» اشتقاق یافته است (اقتداری، ۱۳۵۴: ۹۴۹).
۱۵. در اسطوره، آس/مُورد در پیوند با ایزدبانوی ناهید است (یا حقی، ۱۳۹۶: ۷۷۶). اقتداری در کتاب خود به اشتراکات و شباهت‌های بسیار میان اسامی «زهره» با «زهر» می‌پردازد و انتقال مفاهیم ایزدبانوی ناهید را به حضرت زهرا (س) شرح می‌دهد. وی می‌نویسد: «زارا» همان حضرت «زهرا» دخت پیغمبر است. اگر کسی ریشه پیوند زهره/ایزدبانوی آب را با دسته ایزدان جَوّی، یعنی ایزد تیشتر/تیر/ عطارد که پدر زهره شمرده می‌شود، نداند، گمان می‌کند بنیاد این تشابه را پیران و عوام دیلم از روزگار گسترش دین تشیع نهاده‌اند. وی تیشتر را به پیامبر و زهره را به حضرت زهرا تشبیه می‌کند (اقتداری، ۱۳۵۴: ۹۵۸). ارتباط «تیر/ عطارد» و «آناهیتا/ زهره» از یک سو و همسانی تیر/ عطارد با ادریس پیامبر از سمت دیگر، یادآور رسم کهن ایرانیان است که تیر و ناهید را همچون پدر و دختر می‌پنداشتند. علاوه بر آن، صابئیان حِرّان در قرن سوم هجری، ادریس را پیامبر خود و صاحب کتاب می‌شمردند (یا حقی، ۱۳۸۶: ۸۶). بنابراین، ادریس و زهره/ ناهید و صابئیان هر سه در فرش عرب جنی از عناصر مهم‌اند.
۱۶. «گاو» در اوستا به صورت معمول بر همه چهارپایان سودمند (اعم از بز، گوسفند و ...) اطلاق می‌شود. در اصل «گئوسپنت» یا «گاو مقدس» بوده است (یا حقی، ۱۳۸۶: ۶۸۹). بز با نام تیشتر در واقع چهره دوم ایزد تیشتر، گاو است.
۱۷. قدمت کوهمره سرخی فارس به دوره ساسانیان می‌رسد (جَبّاره ناصرو، ۱۳۹۵ ب: ۲۶۹) و در بین مذاهب ایران عصر ساسانی که همچنان تا قرون نخستین اسلامی در فارس باقی ماندند، آیین صُبی اهمیت خاصی دارد (پشوتنی‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۳).
۱۸. پانزدهمین روز بعد از آغاز گاهنبار پسته شهیم‌گاه/ آفرینش زمین، «آبان» نام دارد که یکی از مهم‌ترین یشت‌های اوستا، «آبان یشت» و همچنین «آبان‌نیایش» متعلق به اوست. آبان، لقب ناهید و فرشته آب دانسته شده است (یا حقی، ۱۳۸۶: ۸). آخرین روز از گاهنبار ایاسرم‌گاه نیز مصادف با آغاز ماه آبان است؛ تیشتر، ستاره باران‌زا نام دارد. لذا عدد پانزده با جوان پانزده‌ساله که یکی از چهره‌های سه‌گانه ایزد تیشتر و برابر با روز میانه از حد فاصل دو گاهنبار است، تطابق دارد.

۱۹. دومین دهه از سی روز حد فاصل دو گاهنبار پسته شهیم‌گاه و ایاسرم‌گاه، برابر با جشن مهرگان است که با فریدون و گاو ارتباط دارد.
۲۰. در یشت‌ها، تیشتر، ستاره‌ای «آب‌چهر» است (کرده ۲، بند ۴) که با یاری وی، چشمه‌ها، نیرومندتر از اسب بتازند (کرده ۳، بند ۵).
۲۱. در قرآن به ستاره شعری یا شعرای یمانی اشاره شده است (نجم: ۴۹).
۲۲. وقتی ۲۱۰ روز از سال بگذرد، هنگامه گاهنبار ایاسرم‌گاه (آفرینش گیاهان) است و این عدد با تعداد ستارگان خوشه پروین مطابقت دارد.
۲۳. شش گاهنبار/گهنبار، جشن‌های آفرینش زرتشتیان هستند که به ترتیب شامل آسمان، آب، زمین، گیاه، جانور و انسان است. طول مدت هر گاهنبار پنج روز است (پشوتنی‌زاده، ۱۳۹۴: ۶۲ و ۶۳). قرآن نیز به آفرینش جهان در شش روز اشاره دارد (هود: ۷).
۲۴. همان «انارام» است که آخرین روز ماه در گاه‌شماری زرتشتیان، گاهنبار ایاسرم‌گاه و پسته‌شهیم‌گاه است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۱۷۲).
۲۵. در شه‌میرزاد معتقدند شب «تیرماسیزه» در یک لحظه تمام آب‌ها لال می‌شوند و در این لحظه خضر می‌آید و هر کس حاجتی بطلبد، حاجتش برآورده می‌شود (میرشکرایی، ۱۳۸۲: ۳۶). از طرف دیگر، بیشتر پژوهشگران خاستگاه اصلی جشن «تیرماسیزه شو» را تیراندازی آرش کمان‌گیر، طلوع ستاره تیشتر (ایزد باران) و جشن باران‌خواهی دانسته و آن را برای تقدیس و گرمی داشت ایزدی نباتی در ماه آبان و شروع زمستان بزرگ (بنا بر گاه‌شماری زرتشتی) برگزار می‌کنند (ستاری و حقیقی، ۱۳۹۱: ۷۷). ایزد نباتی و ارتباط آن با زمین یادآور گاهنبار ایاسرم‌گاه (گیاه) و پسته‌شهیم‌گاه (زمین) است.
۲۶. پیش از این به حضور ستاره «سدویس» در کنار ستاره «تیشتر» اشاره شد و اگر تیشتر/تیر نمادی از ادریس باشد، لذا، سدویس می‌تواند نماد خضر در آسمان باشد
۲۷. چون زمینه فرش سفید است، بز الوس یا تیشتر به رنگ کرم یا نباتی بافته شده تا از زمینه مجزا شود. این کار در فرش شماره دو و سه تکرار شده است.

منابع

- قرآن کریم.
- اوستا (۱۳۸۲). ترجمه: ابراهیم پورداود، تهران: نگاه.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۰). تاريخ اساطيری ايران، تهران: سمت.
- ابن اثير (۱۳۸۵/۱۹۶۵). الكامل فی التاريخ، بيروت: دار صادر، ج ۱.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۴۵). صورة الارض، ترجمه: جعفر شعار، تهران: بنياد فرهنگ ايران، چاپ اول.
- ابن ندیم (۱۳۴۶). الفهرست، ترجمه: محمد رضا تجدد، تهران: دنياي کتاب.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۴). جهان اسلام، ترجمه: قمر آريان، تهران: اميرکبير، چاپ دوم.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهيم بن محمد الفارسی (۱۳۷۳). ممالک و مسالک، ترجمه: محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش: ايرج افشار، تهران: بنياد موقوفات ايرج افشار.
- اقتداري، احمد (۱۳۵۴). ديار شهرياران، تهران: انجمن آثار ملی.
- الهامی، داود (۱۳۷۷). «تاريخ صابثان ۴»، در: کلام اسلامي، س ۷، ش ۲۸، ص ۶۹-۸۷.
- الياده، ميرچا (۱۳۷۲). رساله در تاريخ اديان، ترجمه: جلال ستاری، تهران: سروش، چاپ اول.
- بابايی فلاح، هادی؛ سامانيان، صمد (۱۳۹۲). «تبيين جايگاه حضرت خضر (ع) در قرآن کریم و متون مصور شاهنامه و اسکندرنامه»، در: هنرهای سنتی اسلامي، س ۱، ش ۱، ص ۲۳-۴۱.
- البلاذري، ابوالحسن احمد بن يحيى (۱۳۳۷). فتوح البلدان، تهران: نقره، چاپ اول.
- بهار، مهرداد (۱۳۶۹). بندهش، تهران: توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطير ايران، تهران: آگاه.
- بهداروند، محمد مهدي (۱۳۸۰). خضر نبي، قم: لاهيجی، چاپ اول.
- بيرونی، ابوريحان (۱۳۷۷). آثار الباقية، ترجمه: اکبر داناسرشت، تهران: اميرکبير.
- بيرونی، ابوريحان (۱۳۸۶). آثار الباقية عن قرون الخالية، ترجمه و تصحيح: علی اکبر داناسرشت، تهران: اميرکبير.

- پرهام، سیروس (۱۳۷۱). دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس، تهران: امیرکبیر، ج ۲.
- پرهام، سیروس (۱۳۸۳). «راز و رمز طرح‌های عرب‌جتنی» و «تازه‌های عرب‌جتنی»، ترجمه: هوشنگ رهنما، در: فرش دست‌باف ایران، ش ۲۳-۲۴، ص ۱۴-۲۹.
- پریشانی، زبیا؛ شیربچه، مسعود (۱۳۸۸). بن‌مایه‌ها و عناصر قصه‌های پری‌وار ایرانی، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد.
- پشوتنی‌زاده، آزاده (۱۳۹۴). «گاه‌های آفرینشی در برخی از فرش‌های شیری فارس»، در: گلجام، ش ۲۷، ص ۵۵-۷۶.
- پشوتنی‌زاده، آزاده (۱۳۹۶). «بازنمایی وظایف الوهی ناهید به روایت آثار هنری»، در: زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، ش ۱، ص ۹۳-۱۱۷.
- پشوتنی‌زاده، آزاده (۱۳۹۷). «نقش پادشاه و ملکه جنیان در فرش عرب‌جتنی فارس»، در: گلجام، ش ۳۳، ص ۲۱-۵۰.
- پشوتنی‌زاده، آزاده (۱۳۹۸). «پیرمرد غیب‌گو در گونه‌ای خاص از فرش‌های سلیمانی»، کرسی علمی ترویجی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، گروه هنرهای سنتی.
- پشوتنی‌زاده، آزاده (۱۳۹۹). «بررسی تحلیلی بخش فرش عرب‌جتنی از کتاب فرش‌ها و هنر، فرش‌های پرنده‌دار ایللیاتی و غیره: مجموعه آثار بوئنوس آیرس»، در: پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌ریزی علوم انسانی، س ۲۰، ش ۶، ص ۱-۲۳.
- پشوتنی‌زاده، آزاده (۱۳۹۹). «واکاوی نمادهای دو جشن بزرگ زرتشتیان (مهرگان و نوروز) و حلول آن در داستان‌های نوح (ع)»، در: مطالعات مردم‌شناختی، س ۳، ش ۳، ص ۲۹۴-۳۰۵.
- پشوتنی‌زاده، آزاده (۱۴۰۰). «ویژگی‌های زنان داستان‌های جادویی بانوان زرتشتی در قیاس با نمونه‌های فارسی (نمونه موردی: آش اوماچو)»، در: مجله بین‌المللی مطالعات ایرانی اسلامی، دوره ۵، ش ۵، ص ۱-۱۹.
- پشوتنی‌زاده، آزاده؛ شریفیان، فریبا (۱۳۹۹). «مقایسه تطبیقی مثل‌های دَری و فارسی»، در: پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، س ۱۰، ش ۱۹، ص ۲۳۷-۲۵۳.

- پشوتنی زاده، آزاده؛ نرسیسانس، امیلیا (۱۳۹۹). «سفید و سبز، به عنوان رنگ‌های نمادین در فرهنگ و هنر بانوان زرتشتی یزد»، در: پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره دهم، ش ۱۹، ص ۸۱-۱۰۴.
- پطروشفسکی، ایلیا پالویچ (۱۳۷۰). اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: پیام.
- پورد اوود، ابراهیم (۱۳۷۷). یشت‌ها، تهران: اساطیر.
- تقویم زرتشتیان (۱۴۰۰). تهران: چاپ‌خانه راستی.
- جباره ناصرو، عظیم (۱۳۹۵ الف). «بررسی تحلیلی آغاز و پایان منظومه شهریارنامه بر اساس روایتی نقالی»، در: متن‌شناسی ادب فارسی، دوره جدید، ش ۳ (۳۱)، ص ۵۳-۶۶.
- جباره ناصرو، عظیم (۱۳۹۵ ب). «بررسی تحلیلی روایتی نقالی از (فرارزنامه)»، در: کاوش‌نامه، س ۱۷، ش ۳۳، ص ۲۴۹-۲۷۱.
- جعفری دهقی، محمود (۱۳۹۵). «آب‌کرداری و جشن آب‌ها در اساطیر ایران»، در: مطالعات اسناد میراث فرهنگی، دوره اول، ش ۱، ص ۳۳-۴۳.
- دادور، ابوالقاسم؛ رسولی، اعظم (۱۳۸۹). «تحلیلی چند بر قالیچه‌های عرب جنی فارس»، در: گلجام، ش ۱۵، ص ۵۵-۸۰.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۲). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۵). باورهای عامیانه مردم ایران، با همکاری: علی‌اکبر شیری، تهران: چشمه.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). در جست‌وجوی تصوف در ایران، تهران: امیرکبیر.
- ستاری، رضا؛ حقیقی، مرضیه (۱۳۹۱). «بررسی کارکردهای «لال شیش» در جشن «تیرماسیژه شو» و تحلیل زمینه‌های اسطوره‌ای آن»، در: ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، س ۸، ش ۲۶، ص ۷۷-۱۰۸.
- سروشیان، جمشید (۱۳۳۵). فرهنگ بهدینان، تهران: دانشگاه تهران.
- شاهرخ، شاهرخ؛ رایتر، راشنا (۱۳۸۱). خاطرات ارباب کیخسرو شاهرخ، ترجمه: غلام‌حسین میرزاصالح، تهران: مازیار.
- شریفی، گلغام (۱۳۸۹). «خضر (ع) در باورهای ساکنان منطقه خلیج فارس»، در: هفت آسمان، دوره دوازده، ش ۴۶، ص ۱۱۵-۱۳۰.

- شکبیا، فهیمه (۱۳۹۶). «بررسی متن زند خورشیدنیایش و مقایسه آن با متن اوستایی»، در: پژوهش‌های ادیبانی، س ۵، ش ۱۰، ص ۶۳-۸۲.
- شیرالی، عادل (۱۳۸۶). «پارسایی در حاشیه رود: گذری بر آیین مندایی»، در: اخبار ادیان، س ۵، ش ۲۴-۲۵، ص ۴۴-۴۵.
- صدیقی، غلام حسین (۱۳۷۲). جنبش‌های دینی ایران در قرن‌های دوم و سوم هجری، تهران: پازنگ، چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۲). تفسیر مجمع البیان، ترجمه و نگارش: احمد بهشتی، تصحیح و تنظیم: موسوی دامغانی، تهران: فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲). تاریخ طبری: تاریخ الرسل والملوک، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- غضنفری، کلثوم (۱۳۹۴). «زردشت و ابراهیم در منابع اسلامی»، در: پژوهش‌های ادیبانی، س ۳، ش ۶، ص ۹-۲۵.
- فرهمند، آرمیتا (۱۳۹۶). «بررسی نقش عوامل اجتماعی در نابودی گویش بهدینان کرمان و تلاش برای نجات آن»، در: مطالعات ایرانی، س ۱۶، ش ۳۱، ص ۱۴۱-۱۶۴.
- قدردان، مهرداد؛ زرشناس، زهره؛ ظاهری عبدوند، آمنه (۱۴۰۰). «بزرگ‌داشت ایزد باران، تشتر، در میان بهدینان شریف‌آباد اردکان»، در: پژوهش‌های ایران‌شناسی، س ۱۱، ش ۱، ص ۶۴-۷۷.
- کاظم‌زاده، پروین (۱۳۹۲). «تحلیلی بر دلایل شکل‌گیری اعتقاد به ایزدانوان در ایران باستان»، در: پژوهش‌های ادیبانی، س ۱، ش ۲، ص ۴۹-۷۳.
- کیا، خجسته (۱۳۷۵). قهرمانان بادپا، تهران: نشر مرکز.
- محمود بن عثمان (۱۳۵۸). فردوس المرشدیة فی اسرار الصمدیة (به انضمام روایت مخلصان مرسوم به انوار المرشدیة فی اسرار الصمدیة)، به کوشش: ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی، چاپ سوم.

- مختاریان، بهار (۱۴۰۱/۲/۲). «جشن تیرگان»، پرونده انسان‌شناسی و فرهنگ: در:
<http://anthropology.ir/node/5752>
- مزداپور، شیرین؛ مزداپور، کتایون (۱۳۹۶). بازاریابی گل و نقش: تلاشی برای بهره‌جویی از سنت ایرانی کهن در سوزن‌دوزی، تهران: پژوهشکده هنر/ فرهنگستان هنر.
- مزداپور، کتایون (۱۳۷۴). واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۵۶). مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مصاحب، غلام‌حسین (۱۳۸۱). دائرةالمعارف فارسی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- منتظری، سید سعیدرضا (۱۳۹۵). «توصیف علمی ایجاد باران در متون پهلوی در مقایسه با متون کلاسیک یونانی و اسلامی»، در: مطالعات اسناد میراث فرهنگی، دوره اول، ش ۱، ص ۹۳-۱۰۵.
- میرشکرایی، محمد (۱۳۸۲). «خضر در باورهای عامه»، در: کتاب ماه هنر، ش ۵۵-۵۶، ص ۲۸-۴۲.
- نیشابوری (سورآبادی)، ابوبکر عتیق (۱۳۴۷). قصص قرآن مجید، تهران: دانشگاه تهران.
- هیربد، شهریار (۱۳۹۳). خاطرات رستم شاپور مهر: آوای سرو چم، مشهد: پاپلی.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله (۱۳۸۳). معجم البلدان، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، چاپ اول.
- Trybiarz, Abel (2017). A Buenos Aires Collection: Rugs and Art (Tribal Bird Rugs and Others), London: Hail Publication.

References

- The Holy Quran
- The Avesta. 2003. Translated by Ibrahim Purdawud, Tehran: Look. [in Farsi]
- Al-Balazori, Abu al-Hasan Ahmad ibn Yahya. 1958. Fotuh al-Boldan, Tehran: Silver, Second Edition. [in Arabic]
- Amuzgar, Zhaleh. 2001. Tarikh Asatiri Iran (Mythological History of Iran), Tehran: Samt. [in Farsi]
- Babayi Fallah, Hadi; Samaniyan, Samad. 2013. "Tabyin Jaygah Hazrat Khezr dar Quran Karim wa Motun Mosawwar Shahnameh wa Eskandarnameh (Explaining the Position of Hazrat Khizr in the Holy Quran and Illustrated Texts of Shahnameh and Iskandarnameh)", in: Traditional Islamic Arts, yr. 1, no. 1, pp. 23-41. [in Farsi]
- Bahar, Mehrdad. 1990. Bundahishn, Tehran: Tus. [in Farsi]
- Bahar, Mehrdad. 1996. Pajuheshi dar Asatir Iran (A Research in Iranian Mythology), Tehran: Aware. [in Farsi]
- Behdarwand, Mohammad Mahdi. 2001. Khezar Nabi (Prophet Khidr), Qom: Lahiji, First Edition. [in Farsi]
- Biruni, Abureyhan. 1998. Al-Athar al-Baghiyah (Remnants), Translated by Akbar Dana Seresht, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Biruni, Abureyhan. 2007. Al-Athar al-Baghiyah an al-Ghorun al-Khaliyah (Remnants of Past Centuries), Translated & Edited by Ali Akbar Dana Seresht, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Dadwar, Abolghasem; Rasuli, Azam. 2010. "Tahlili Chand bar Ghalicheh-hay Arab Jeni Fars (Some Analysis on the Arab-Jinni Persian Carpets)", in: Goljam, no. 15, pp. 55-80. [in Farsi]
- Dehkhoda, Ali Akbar. 1963. Loghatnameh (Dictionary), Tehran: University of Tehran, First Edition. [in Farsi]
- Eghtedari, Ahmad. 1975. Diyar Shahriaran (The Land of Shahriaran), Tehran: Association of National Artifacts. [in Farsi]

- Elhami, Dawud. 1998. "Tarikh Sabean 4 (The History of the Sabeans 4)", in: Islamic Theology, yr. 7, no. 28, pp. 69-87. [in Farsi]
- Eliadeh, Mircha. 1993. Resaleh dar Tarikh Adyan (A Treatise on the History of the Religions), Translated by Jalal Sattari, Tehran: Soroush, First Edition. [in Farsi]
- Estakhri, Abu Eshagh Ibrahim ibn Mohammad al-Farsi. 1994. Mamalek wa Masalek (Countries and Territories), Translated by Mohammad ibn Sad ibn Abdollah Toštari, Prepared by Iraj Afshar, Tehran: Iraj Afshar Endowment Foundation. [in Arabic]
- Farahmand, Armita. 2017. "Barresi Naghsh Awamel Ejtemai dar Nabudi Guyesh Behdinan Kerman wa Talash baray Nejat An (Investigating the Role of Social Factors in Destroying the Dialect of Kermani Behdinan and Trying to Save It)", in: Iranian Studies, yr. 16, no. 31, pp. 141-164. [in Farsi]
- Ghadrdan, Mehrdad; Zarshenas, Zoreh; Zaheri Abdwand, Ameneh. 2021. "Bozorgdasht Izad Baran Tishtar dar Miyan Behdinan Sharifabd Ardakan (The Celebration of the God of Rain, Tishtar, Among Sharifabad Behdinan of Ardakan)", in: Studies of Iranology, yr. 11, no. 1, pp. 64-77. [in Farsi]
- Ghazanfari, Kolthum. 2015. "Zartosht wa Ibrahim dar Manabe Islami (Zoroaster and Abraham in Islamic Sources)", in: Religious Studies, yr. 3, no. 6, pp. 9-25. [in Farsi]
- Hemawi, Yaghut. 1991. Mojam al-Boldan (Dictionary of Countries), Translated by Ali Naghi Monzawi, Tehran: Cultural Heritage Organization, First Edition. [in Farsi]
- Hirbad, Shahriyar. 2014. Khaterat Rostam Shapur Mehr: Away Sarw Cham, Mashhad: Papehli. [in Farsi]
- Ibn Athir. 1965. Al-Kamel fi al-Tarikh (The Completion of History), Beirut: Sader House, vol. 1. [in Arabic]
- Ibn Hawghal, Abolghasem Mohammad. 1966. Surah al-Arz (Earth Image), Translated by Jafar Shear, Tehran: Iranian Culture Foundation, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Nadim. 1967. Al-Fehrest (The List), Translated by Mohammad Reza Tajaddod, Tehran: Book World. [in Farsi]
- Jabbareh Nasero, Azim. 2016 a. "Barresi Tahlili Aghaz wa Payan Manzumeh Shahriyar-

nameh barasas Rewayati Naghali (Analytical Study of the Beginning and End of the Shahryarnameh Book based on Narrative Accounts)", in: Textology of Persian Literature, New Period, no. 3 (31), pp. 53-66. [in Farsi]

- Jabbareh Nasero, Azim. 2016 b. "Barresi Tahlili Rewayati Naghali az Faramarznameh (Analytical Investigation of Narrative Accounts of Faramarznameh)", in: Kawoshnameh, yr. 17, no. 33, pp. 249-271. [in Farsi]
- Jafari Dahaghi, Mahmud. 2016. "Ab Kerdari wa Jashn Ab-ha dar Asatir Iran (Irrigation and Celebration of Waters in Iranian Mythology)", in: Studies of Cultural Heritage Documents, yr. 1, no. 1, pp. 33-43. [in Farsi]
- Kazemzadeh, Parwin. 2013. "Tahlili bar Dalayel Sheklgiri Eteghad be Izadbanowan dar Iran Baſtan (An Analysis of the Reasons for the Formation of Belief in Goddesses in Ancient Iran)", in: Religious Studies, yr. 1, no. 2, pp. 49-73. [in Farsi]
- Kiya, Khojasteh. 1996. Ghahremanan Badpa (Heroes of Badpa), Tehran: Center Publication. [in Farsi]
- Mahmud ibn Othman. 1979. Ferdows al-Morshediyah fi Asrar al-Samadiyah, be Enzemam Rewayat Mokhlesan Marsum be Anwar al-Morshediyah fi Asrar al-Samadiyah, Prepared by Iraj Afshar, Tehran: Association of National Artifacts, Third Edition. [in Arabic]
- Masudi, Ali ibn al-Hosayn. 1977. Moruj al-Zahab wa Maaden al-Jawaher (Meadows of Gold & Mines of Jewelry), Translated by Abolghasem Payandeh, Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in Arabic]
- Mazdapur, Katayun. 1995. Wajenameh Guyesh Behdinan Shahr Yaz (Dictionary of Behdinan Dialect of Yazd City), Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Farsi]
- Mazdapur, Shirin; Mazdapur, Katayun. 2017. Bazarayi Gol wa Naghsh: Talashi baray Bahrejuyi az Sonnat Irani Kohan dar Suzanduzi (Rearrangement of Flowers and Motifs: An Attempt to Exploit the Ancient Iranian Tradition in Needlework), Tehran: Art Research Institute/Art Academy. [in Farsi]
- Mirshokrayi, Mohammad. 2003. "Kheizr dar Bawar-hay Ammeh (Kheizr in Popular Beliefs)", in: The Book of Art Month, no. 55-56, pp. 28-42. [in Farsi]

- Mokhtariyan, Bahar. 2022/04/22. "Jashn Tirgan (Tirgan Festival)", Anthropology and Culture File at: <http://anthropology.ir/node/5752>.
- Montazeri, Seyyed Said Reza. 2016. "Tosif Elmi Ijad Baran dar Motun Pahlawi dar Moghayeseh ba Motun Klasik Yunani wa Islami (Scientific Description of Rainmaking in Pahlavi Texts Compared to Classical Greek and Islamic Texts)", in: Studies of Cultural Heritage Documents, yr. 1, no. 1, pp. 53-105. [in Farsi]
- Mosaheb, Gholam Hoseyn. 2002. Daerah al-Maaref Farsi (Persian Encyclopedia), Tehran: Amirkabir, Third Edition. [in Farsi]
- Neyshaburi (Surabadi), Abubakr Atigh. 1968. Ghesas Quran Majid (Stories of the Holy Quran), Tehran: University of Tehran. [in Farsi]
- Parham, Sirus. 1992. Dašt Baftah-hay Ashayeri wa Rushtayi Fars (Fars Nomadic and Rural Handwovens), Tehran: Amirkabir, vol. 2. [in Farsi]
- Parham, Sirus. 2004. "Raz wa Ramz Tarh-hay Arab Jenni (The Secret of Arabjinni Designs)", Translated by Hushang Rahnama, in: Iranian Handwoven Carpet, no. 23-24, pp. 14-29. [in Farsi]
- Parishani, Ziba; Shirbachchah, Masud. 2009. Bonmayeh-ha wa Anasor Ghesseh-hay Pariwar Irani (Basics and Elements of Iranian Fairy Tales), Isfahan: Islamic Azad University, Najafabad Branch. [in Farsi]
- Pashutanizadeh, Azadeh. 2015. "Gah-hay Afarineshi dar Barkhi az Farsh-hay Shiri Fars (Creative Moments in Some Fars Silk Carpets)", in: Goljam, no. 27, pp. 55-76. [in Farsi]
- Pashutanizadeh, Azadeh. 2017. "Baznamayi Wazayef Oluhi Nahid be Rewayat Athar Honari (Representation of the Divine Functions of Venus in the Narration of Artworks)", in: Woman in Culture and Art, yr. 9, no. 1, pp. 93-117. [in Farsi]
- Pashutanizadeh, Azadeh. 2018. "Naghsh Padeshah wa Malakeh Jenniyan dar Farsh Arab Jenni Fars (The Role of the Jinn King and Queen in the Persian Arab Genie Carpet)", in: Goljam, no. 33, pp. 21-50. [in Farsi]
- Pashutanizadeh, Azadeh. 2019. "Pirmard Gheybgu dar Gune-yi Khas az Farsh-hay Soleymani (The Mysterious Old Man in a Special Type of Soleymani Carpets)", Scien-

tific-Promotional Chair of Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Traditional Arts Group. [in Farsi]

- Pashutanizadeh, Azadeh. 2020. "Barresi Tahlili Bakhsh Farsh Arab Jenni az Ketab Farsha wa Honar, Farsh-hay Parandeh-dar Iliyati wa Gheyreh: Majmueh Athar Bonus Ayres (Analytical Review of the Arab Genie Carpets Section of the Book Carpets and Art, Illiati Bird Carpets, etc.: Collection of Works of Buenos Aires)", in: Critical Research Paper on Humanities Texts and Planning, yr. 20, no. 6, pp. 1-23. [in Farsi]
- Pashutanizadeh, Azadeh. 2020. "Wakawi Namad-hay Do Jashn Bozorg Zartoshtian; Mehrگان wa Noruz wa Holul An dar Daстан-hay Nuh (Analyzing the Symbols of the Two Great Zoroastrian Festivals; Mehrگان and Nowruz and Its Solution in the Stories of Noah)", in: Anthropological Studies, yr. 3, no. 3, pp. 294-305. [in Farsi]
- Pashutanizadeh, Azadeh. 2021. "Wijegi-hay Zananeh Daстан-hay Jaduyi Banowan Zartoshti dar Ghiyas ba Nemuneh-hay Farsi; Nemuneh Moredi: Ash Umacho (Feminine Characteristics of Magical Stories of Zoroastrian Women in Comparison with Persian Examples: Case Example: Ash Omacho)", in: International Journal of Iranian Islamic Studies, yr. 10, no. 5, pp. 1-19. [in Farsi]
- Pashutanizadeh, Azadeh; Narcissus, Emilia. 2020. "Sefid wa Sabz, be Onwan Rang-hay Namadin dar Farhang wa Honar Banowan Zartoshti Yazd (White and Green, as Symbolic Colors in the Culture and Art of Zoroastrian Women of Yazd)", in: Anthropological Researches of Iran, no. 19, pp. 81-104. [in Farsi]
- Pashutanizadeh, Azadeh; Sharifiyan, Fariba. 2020. "Moghayeseh Tatbighi Mathal-hay Dari wa Farsi (Comparative Comparison of Dari and Persian Proverbs)", in: Comparative Linguistic Research, yr. 10, no. 19, pp. 237-253. [in Farsi]
- Petroshevsky, Ilya Palovich. 1991. Islam dar Iran (Islam in Iran), Translated by Karim Keshavarz, Tehran: Message. [in Farsi]
- Purdawud, Ibrahim. 1998. Yasht-ha (Yachts), Tehran: Mythology. [in Farsi]
- Sattari, Reza; Haghghi, Marziyeh. 2012. "Barresi Karkard-hay "Lal Shish" dar Jashn "Tirmasizeh sho" wa Tahlil Zamineh-hay Ostureh-yi An (Investigating the Functions of "Lal

- Sheesh" in the Celebration of "Tirmasizeh Shu" and Analyzing Its Mythological Background)", in: Mystical and Mythological Literature, yr. 8, no. 26, pp. 77-108. [in Farsi]
- Sedighi, Gholam Hoseyn. 1993. Jonbesh-hay Dini Iran dar Gharn-hay Dowwom wa Sewwom Hejri (Iran's Religious Movements in the Second and Third Centuries of Hijri), Tehran: Parang, First Edition. [in Farsi]
 - Shahrokh, Shahrokh; Rayter, Rashna. 2002. Khaterat Arbab Keykhosro Shahrokh (Memories of Arbab Kikhosro Shahrokh), Translated by Gholam Hoseyn Mirza Saleh, Tehran: Mazyar. [in Farsi]
 - Shakiba, Fahimeh. 2017. "Barresi Matn Zand Khorshid Niyayesh wa Moghayeseh An ba Matn Awestayi (Examining the Zand Text of Khorshid Niyayesh and Comparing It with the Avesta Text)", in: Religious Studies, yr. 5, no. 10, pp. 63-82. [in Farsi]
 - Sharifi, Golfam. 2010. "Khezr dar Bawar-hay Sakenan Mantagheh Khalij Fars (Khizr in the Beliefs of the Inhabitants of the Persian Gulf Region)", in: Seven Heavens, yr. 12, no. 46, pp. 115-130. [in Farsi]
 - Shirali, Adel. 2007. "Parsayi dar Hashiyeh Rud: Gozari bar Ayin Mandayi (Parsai on the Banks of the River: A Passage on the Mandaean Religion)", in: News of Religions, yr. 5, no. 24-25, pp. 44-45. [in Farsi]
 - Soroushiyan, Jamshid. 1956. Farhang Behdinan (Culture of Behdinan), Tehran: University of Tehran. [in Farsi]
 - Spuller, Bertold. 2005. Jahan Islam (The Muslim World), Translated by Ghamar Ariyan. Tehran: Amirkabir, Second Edition. [in Farsi]
 - Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1973. Tarikh Tabari: Tarikh al-Rosol wa al-Moluk (The History of Tabari: History of the Apostles and Kings), Translated by Abolghasem Payandeh, Tehran: Iranian Culture Foundation. [in Arabic]
 - Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1996. Tarikh Tabari (History of Tabari), Translated by Abolghasem Payandeh, Tehran: Mythology. [in Farsi]
 - Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1973. Tafsir Majma al-Bayan (Collection of Statements), Translated by Ahmad Beheshti, Edited by Musawi Damghani, Tehran: Farahani. [in Arabic]

- Trybiarz, Abel. 2017. A Buenos Aires Collection: Rugs and Art (Tribal Bird Rugs and Others), London: Hail Publication.
- Yahaghi, Mohammad Jafar. 2007. Farhang Asatir wa Daṣṭanwareh-ha dar Adabiyat Farsi (Culture of Myths and Stories in Persian Literature), Tehran: Contemporary Culture. [in Farsi]
- Zarrinkub, Abd al-Hoseyn. 1990. Joṣtoju dar Tasawwof Iran (Search in Iranian Sufism), Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Zolfaghari, Hasan. 2016. Bawar-hay Amiyaneh Mardom Iran (Folk Beliefs of Iranian People), In Collaboration with: Ali Akbar Shiri, Tehran: Spring. [in Farsi]
- Zoroastrian Calendar. 2021. Tehran: Raṣṭi Printing House. [in Farsi]